نگاهی به اقتصاد چین

با اینکه پس از متلاشی شدن رژیم کمونیستی‏ شوروی سابق،چین ظاهرا همچنان رژیم خود را حفظ کرد،معهذا تقریبا بر همهء افراد آشنا به‏ ساختار حکومتی و اجتماعی-اقتصادی چین‏ روشن است که حفظ ظاهری رژیم سوسیالیستی‏ چین بیشتر جنبه پرستیژی دارد تا واقعیت‏ عین.بعبارت دیگر این کشور آهسته آهسته‏ تغییرات مربوط به پیاده کردن اقتصاد بازار- خصوصی سازی-گشودن درهای خود به روی‏ سرمایه‏های خارجی(و از آنجمله تکنولوژی‏ وارداتی و شرکتهای چند ملتیی)را بمرحلهء اجرا گذاشته و در این راه به موفقیتهای چشمگیری‏ نیز دست یافته است.در حال حاضر بسیاری‏ از کشورهای جدیدا توسعه یافته جنوب شرقی‏ آسیا تمایل شدیدی دارند که شعبات مؤسسات‏ خود را در چین دائر نمایند زیرا از یکطرف‏ دقت کارگران چینی سرمایهء ارزشمندی محسوب‏ میشود و از سوی دیگر هنوز دستمزدها در چین‏ بمراتب ارزانتر از کشورهای تازه توسعه یافته‏ جنوب شرقی آسیاست.بعلاوه نظام حکومتی‏ چین شدیدا مایل است هر چه بیشتر وارد جریان‏ بازار کار-سرمایه و مبادلات بین‏المللی شود و سهم شایستهء خود را بدست آورد.تلاشی که‏ این کشور از چند سال پیش برای عضویت در گات‏ آغاز کرده و اخیرا با طرح ایجاد سازمان تجارت‏ جهانی( WTO )آنرا شدت بخشیده است‏ ناشی از همین تمایل است.اگر امریکائیها حوادث چند سال پیش میدان‏"تین آن من‏"را که‏ طی آن بر روی دانشجویان تظاهر کننده چینی‏ تیراندازی شد،بهانهء عدم رعایت حقوق بشر در چین قرار نداده بودند،شاید تا کنون در مسأله عضویت چین در گات پیشرفتهای محسوسی‏ بوجود آمده بود.باین ترتیب تغییرات‏ ساختاری در چین هر روز ابعاد وسیعتری می‏یابد و این کشور بطور مرتب خود را با اقتصاد جهانی‏ نزدیکتر میسازد.

با اینهمه،هر پیشرفت،دشواریهای خاص‏ خود را نیز بهمراه دارد.برای مثال اجرای‏ برنامه‏های عظیم توسعهء اقتصادی،اینک‏ چین را بصورت یکی از کشورهای بدهکار جهان‏ درآورده است.برای مثال در آخر سال 1993 خالص بدهی‏های خارجی چین(آنگونه که‏ رویتر گزارش داده است)برابر 5/83 میلیارد دلار بود،در حالیکه پیش بینی میشود در پایان‏ سال مسیحی جاری حجم این بدهی‏ها از 100 میلیارد دلار تجاوز کند که نشان دهنده رشد بدهی 20 درصدی ظرف یکسال میباشد.این‏ کشور میباید امسال 20 میلیارد دلار بابت اصل‏ و فرع بدهی خارجی خود پرداخت کند که بمعنی‏ آنست آنچه اضافه بدهی ببار می‏آورد،بابت‏ اصل و فرع بدهی‏های قبلی می‏پردازد.این رقم‏ پرداخت 2 میلیارد دلار از رقم مربوط به سال‏ قبل فراتر است.

ظاهرا اینک چین متوجه شده است که قرضهء خارجی جز گرفتاری نتیجه‏ای ببار نمی‏آورد زیرا کشوری که سالها مدعی بود از هر نوع تورم و بدهی خارجی بر کنار است،اینک علاوه بر 100 میلیارد دلار،دو برابر رشد تولید ناخالص داخلی قابل ملاحظه 6/10 درصد تورمی برابر 3/20 درصد در سال دارد.(ارقام‏ مربوط به سال 93 و مأخوذ از نشریه 30 جولای‏ 94 اکونومیست لندن است).

جالب توجه است که تولیدات صنعتی چین‏ در سال مذکور 5/20 درصد رشد نشان میدهد و این در حالی است که فرضا تولیدات صنعتی‏ روسیه-/29 درصد و تولید ناخالص داخلی‏ آن کشور 8 درصد کاهش نشان میدهد و نرخ‏ تورم در روسیه در سال گذشته 5/412 درصد بوده است.

مقایسه ارقام مربوط به این دو کشور،طبعا این سئوال را در ذهن بر می‏انگیزد که آیا باید تغییرات تدریجی را پذیرفت یا تغییرات‏ ناگهانی و بنیانی را.

(در میان 24 کشور جدیدا توسعه یافته، یا به نحوه مثبتی در حال توسعه،برزیل وضعی‏ بغرنج‏تر از همه دارد.در حالیکه طی سال 93 تولید ناخالص داخلی این کشور 7/5 درصد رشد داشت،رشد تولیدات صنعتی به 4/7 درصد رسید و در مقابل قیمت کالاهای مصرفی‏ از 166/5 درصد افزایش یافت.

در میان کشورهای جدیدا توسعه یافته جنوب‏ شرقی آسیا،سنگاپور وضعی کاملا استثنائی‏ دارد که زیرا در حالیکه رشد ناخالص داخلی‏ بیسابقه 0/11 درصد را نشان میدهد میزان‏ تورم در آن کشور فقط 1/4 درصد بوده است.)

موازنهء تجارت خارجی چین در دوازده ماهه‏ سال گذشته 8/9 میلیارد دلار کاهش نشان‏ داد در حالیکه موازنهء حساب جاری آن کشور 4/6 میلیارد دلار افزایش نشان میداد و در مجموع ذخایر ارزی آن کشور که دو سال قبل‏ 21 میلیارد دلار افزایش نشان میداد در سال‏ گذشته به 8/29 میلیارد دلار رسید.(بالاترین‏ میزان ذخیره ارزی در سال مذکور مربوط به‏ تایوان بوده که با رقم 2/83 میلیارد دلار رسیده‏ است،معهذا این رقم نسبت به سال قبل از آن‏ 300 میلیون دلار کاهش نشان میدهد).

در عین حال پول چین در مقایسه با دلار آمریکا در سال مورد گزارش کاهش محسوسی‏ نشان میدهد.برای مثال در سال 92 بطور متوسط هر 72/5 یوان با یک دلار معاوضه میشد،در حالیکه در سال 93 هر 68/8 یوان(بطور متوسط) با یک دلار معاوضه گردید.